



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۰۶

داکتر صلاح الدین سعیدی

## حافظه از تاریخ حد اقل دوگانه است!

تاریخ نوشته شده توسط مؤرخ استعمار و تجاوزگر و تاریخ نوشته شده توسط مؤرخ کشورها و جوامع مستعمره . تاریخ ناب نوشته شده از جانب مؤرخ واقعبین و عینیگرا کمتر فرصت داشته است . تاریخ و هستوری، سنه نگاری و کرونولوژی مباحث قابل دقت اند که ما اکثر سنه نگاری ( کرونولوژی) را با هستوری مغالطه میکنیم و کرده ایم . هستوری را به معنای تاریخ میگیریم که تاریخ از لحاظ معنای لغوی بیشتر معنای کرونولوژی ( سنه نگاری) را دارد . هستوری دارای شش بعد ( به ضم ب) بوده که یکی آنرا کرونولوژی یعنی سنه نگاری تشکیل میدهد.

و اما مستقیم به بحث تیمور لنگ و ... و سفاکی ایشان که به اعتراض از قوم گرایان منحنط مواجه شد .  
۱ - تیمور لنگ سفاک، قاتل و آدمکش بود و بدون این صفات این فتوحات و جهانگشایی در آن زمان ناممکن بود و ناممکن است. مگر در جنگ خلیج و جنگ علیه صدام حسین کم کشتند و کم سفاکی و خونریزی کردند؟ مردم جهان تاریخ را چنانیکه هست مطالعه و میخوانند .  
به هر بهانه سفاک را مدافعه کردن و نام گرفتن آن سفاک را توهین به قوم خواندن منتهای سقوط در کثافت و لجنزار قومی و نژادی است.

از جانب دیگر میدانیم که مجسمه های قهرمان افسانوی منگولها، یعنی چنگیز در گوشه و کنار شهرهای منگولیا و اولنباتور همین امروز فراوان بوده و منگولها به آن میبالند. مسلم است و ما میدانیم که چنگیز یک قاتل و جانی و سفاک برای ملت افغان و مردم این سرزمینها بود و است .

۲ - جانشین برحق تخت امیر شیر علیخان بعد از وفاتش پسرش غازی محمد ایوب بود. سردار ایوب خان در حالیکه در میوند قندهار به شدت علیه استعمارگران میجنگید، پسر محمد افضل خان یعنی عبدالرحمن خان به معیت سرباران ترکمن و ازبک بعد از یازده سال تبعید از آسیای میانه به افغانستان برمیگردد و در شمالی کابل با نماینده انگلیس ملاقات دارد و متصل آن به حیث امیر افغانستان در کابل اعلان پادشاهی میکند. وی برای بقای سلطه و قدرت خود به هیچ قوم، تباری و به هیچ کس رحم نمی کند و درین میان مردمان که از افغانستان مرکزی سرکشی ازوی کردن با بی رحمی مورد ضربه قرار داده، تا اینکه قسمت ازین مردمان افغانستان مرکزی به کویته پاکستان امروز و قسمت دیگری به مشهد ایران امروز مهاجر شده و تا حال در موارد با اندیشه های ضد امیر عبدالرحمانی و با رنگ و بوی قومی و تباری با ابعاد وسیع قومی و سیاسی فعال هستند.

تلاش دادن برآنت به امیر عبدالرحمن خان به بهانه ایجاد افغانستان قوی مرکزی به هیچ صورت قابل قبول نیست و بوده نمی تواند. وی به اساس معیار های امروز در جمله شاهان مستبد خواهد بود و است. معیار فتوحات و شمیر کشتی های این شاهان، با هر وسیله توسعه سلطه و بقای خود شان در مقام اول برای شان مطرح بوده و است .

جنایات این حکام ( به ضم ح) را نمی توان با ایجاد افغانستان مرکزی بزرگ میرر و توجیه داد .  
۳ - و اما غداری چیست؟

کسی با کسی دیگر عهد کرد و آن عهد را شکست. این را غدر و عهد شکنی گویند. غداری گناه کبیره و مردود است! م مستندات تاریخی وجود دارد و ملا بزرگ نواسه میاگل جان آغا د مدرسء امام ابوحنیفه (رح) در کابل همصنف من بود و هنوز زنده است. وی برایم قصه کرد که همان قرآن کریم را در خانواده خود دیده و موجود است که محمد نادر شاه برآن نوشته و امضاء کرده بود که حبیب الله کلکانی (مشهور به بچه سقاء (را در صورت آمدن به ارگ

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

و ... نمی کشد. اما دیدیم که کشت و اعدام کرد. شیخ المشایخ که این قرآن شریف امضاء شده، مبنی بر تعهد سلامت سر حبیب الله کلکانی شده بود، از دیدن این غداری قهر بود که توسط نادرخان با خانواده اش به حج بیت الله شریف اعزام گردید .

پس نادر خان غدار شد و این واقعیت مسلم است و ازین منکر شدن، به چشم مردم خاک انداختن است .  
اینکه حبیب الله کلکانی با چه دسایس و از جانب کی و با چه عمال در مقابل امیر امان الله خان غازی استاد و بغاوت کرد، بحث است به جای خودش و مستقل .

اما نادر غدر کرده و این غدر توجیه و مبرر ندارد .

و حال که درین مبحثیم، اضافه میکنم که تغیر و ریفورم، پیشرفت و انکشاف در براندازی روی سری از سر خانمها، تبدیل پیراهن و تنبان به پطلون و جمع آوری مالیه به طور پیشکی و سه سال قبل و... هم درست نیست و اگر این را گفتیم، این را هم میدانیم و حال از کس پوشیده نباید باشد که تاریخ ما را در مواردی استعمار وقت نیز رقم زده و در سقوط امان الله خان استخبارات انگلیس به یقین دست داشت .

با این تماس های تلگرافی هموطنان و محققین را به واقعیت نگری و مطالعه تاریخ با خونسردی لازم و میتود های قبول شده تحقیقاتی دعوت میکنم.

سفاک را باید سفاک گفت، غدار را باید غدار، قاتل و جانی را قاتل و جانی و کتافات و جنایات تاریخی را نباید به هیچ توجیه زبانی، قومی و سمتی کتمان کرد .

جنایات این جهان گشایان تیمور لنگ و چنگیز ها و ... روشن و مستند اند و کس از آن منکر شده نمی تواند !  
تاریخ را کس نه تغیر داده و نه هم اصلاح کرده و نه هم از سر نوشته کرده میتواند و به صورت عینی وجود دارد، صرف برداشت خویش را باید عینی و متکی برواقعیتها ساخت. پایان

داکتر صلاح الدین سعیدی

05/02/2020